

● از یادداشتهایی در زمینه

فرهنگ و تاریخ

خط و خطاطی

■ زنده یاد دکتر غلامحسین یوسفی

خط تعلیق

از مقایسه بین خطوط رایج در ایران (مانند کوفی شیوه ایرانی، تعلیق، شکسته تعلیق و نستعلیق) با خطوط بهلوی و اوستایی و برخی شباهتهای محسوس بین آنها این نظر برای برخی محققان معاصر حاصل شده است که ایرانیان اگرچه خط تحریر معمولی خود را از خط عربی اقتباس کرده اند، تحت تأثیر خط ملی و باستانی خویش و سوابق ذهنی و ذوق و قریحه قومی در شکل حروف و طرز نوشتن خط عربی تصرفات و دگرگونیهایی لطیف و دلپذیر بوجود آوردند که جلوه گاه آن بخصوص خطوط تعلیق و نستعلیق و شکسته نستعلیق است (رک: جلال الدین همایی، ص ۵۳۲؛ دکتر مهدی بیانی، ایران شهر، ۱/۷۶۵؛ اطلس خط، ص ۳۹۴-۴۰۲). خط تعلیق از این لحاظ درخوردقت است (آقای رکن الدین همایون فرخ در مقالات پیشین خط تعلیق را نیز صورت تحول یافته‌ای از خط «پیراموز» دانسته‌اند).

از قرن پنجم هجری / یازدهم در نسخ تحریری شیوه ایرانی - که پیش از این یاد شد - بتدریج تطوراتی بروز نمود و از اواسط قرن هفتم / سیزدهم بر اثر تکامل قلم ایرانی خطی بوجود آمد که مقتبس از آن و قلم توقیع و رقاع بود و به نام خط تعلیق کمال و رواج یافت. خط تعلیق در تحریر کتابها و دیوانهای شعر بکار می‌رفت و تا قرن هشتم / چهاردهم نیز رو به تکامل بود. نیاز به تندنویسی موجب آمد که در این خط بیوستگی حروف و کلمات مجاز شمرده شود و سرعت کتابت آن افزونی یابد و برای نوشتن مراسلات متناسب گردد. این مرحله را بهترست شکسته تعلیق نامید هرچند گاه از نظر سهولت و اختصار با مسامحه آن را تعلیق خوانده‌اند. این قلم

بوالندعلی المیزان

از نسخه‌های کاتبان مشهور در خط تعلیق

تعلیق و رقاع در خط تعلیق کمال و رواج یافت

تندنویسی موجب آمد که در این خط بیوستگی حروف و کلمات مجاز شمرده شود

تیراه ۵۰

تصویر شماره ۳۷، شکسته تعلیق، خط مرتضی عبدالرسولی، (کلمات قصار، تهران، ۱۳۵۵ ش.، مقدمه).

نسخه‌های کاتبان مشهور در خط تعلیق
تعلیق و رقاع در خط تعلیق کمال و رواج یافت
تندنویسی موجب آمد که در این خط بیوستگی حروف و کلمات مجاز شمرده شود

تصویر شماره ۳۸، شکسته تعلیق از ایران، کتابخانه طوبقا بوسرای (شماره ۲۱۳۸)

خاص منشیان و کاتبان دیوان بود که گاهی «ترسل» نیز نامیده شده است. منتهی در دوره‌های اخیر گاهی خط تعلیق و صورت ساده‌تر آن را «ترسل» خوانده‌اند.

شکسته تعلیق خطی است تو در تو و درهم پیچیده که از نظر سرعت در کتابت، بهم پیوستن حروف منفصل نیز در آن مرسوم است و گاه چندین کلمه را متصل به یکدیگر نوشته‌اند. حروف و کلمات آن از لحاظ درشتی و ریزی و فربهی و لاغری یکدست و یک نواخت نیست. از این رو هم آهنگی اجزاء در آن حالتی دیگر دارد و با ترتیب و تناسب ملحوظ در خطوط دیگر متفاوت است. در تحریر آن (جز در مواردی اندک) غلبه بر دورست، حرکات قلم نیز گرم و نرم است (تصویر ۳۷، ۳۸، ۳۹).

پس از رواج خط تعلیق عثمانیها و مصریها موافق ذوق و سلیقه خویش در آن تصرفاتی کردند و شیوه خود را «دیوانی» (از باب انتساب به امور دیوان) نامیدند



تصویر شماره ۳۹، شکسته تعلیق، خط محمدعلی عطار هروی، خطاط معاصر افغانستان (ح. فضائی، اطلس خط، ص ۲۱۶).

به دو صورت خفی و جلی که هنوز هم در ممالک عربی معمول است (تصویر ۴۰)

خط شکسته تعلیق تا اوائل قرن دهم / شانزدهم رونق داشت و مدت چند قرن در دیوانهای حکام و قضات و تحریر کتابها و منشآت دیوانی مرسوم بود و منشیان و خطاطان به آن می‌نوشتند. از قرن دهم با رونق روزافزون نستعلیق و شکسته نستعلیق از رواج آن کاسته شد هر چند تا قرن سیزدهم / نوزدهم هنوز دوام داشت. خط تعلیق بخصوص از نظر آن که اساس و مقدمه پدید آمدن خطوط بسیار مهم و ایرانی نستعلیق و شکسته نستعلیق بوده است واجد اهمیت بسیار است. امروزه خطاطان ایرانی با تعلیق کمتر آشنایی دارند و بعضی از آنان ممکن است از نظر تنوع دوستی گاه به این خط بنویسند یا از آن تقلید کنند. استاد مرتضی عبدالرسولی در نوشتن کتیبه‌های آرامگاه عمر خیام در نیشابور تنوعی به خرج داده و رباعیات خیام را در کاشیکاریهای آن جا، بر خلاف شیوه کتیبه نویسی که غالباً به خط ثلث است، به شکسته تعلیق و در کمال زیبایی نوشته است (تصویر ۴۱). خواجه تاج‌الدین سلمانی اصفهانی (قرن نهم / پانزدهم) را واضع خط تعلیق یا شکسته تعلیق شمرده‌اند (یا لاقبل به آن نظم و قاعده بخشیده) و مکتب آن را خواجه عبدالهی منشی استرآبادی (قرن نهم) دانسته‌اند (از جمله: میرزا حبیب اصفهانی، ص ۲۵۱).



رویکردی به سبک‌های خوشنویسی در ایران و افغانستان

تصویر شماره ۴۰، تعلیق، دیوانی جلی (س ۱) خط هاشم محمد خطاط، دیوانی خفی (س ۲)، خط سید ابراهیم (مصورالخط، ص ۲۵۵؛ ح. فضائی، اطلس خط، ص ۴۲۹)



تصویر شماره ۴۱، شکسته تعلیق، خط مرتضی عبدالرسولی کتیبه آرامگاه عمر خیام، نیشابور

خط نستعلیق

حدود یک قرن بعد از انتشار و رواج تعلیق یعنی از نیمه دوم قرن هشتم / چهاردهم بتدریج قلم دیگری به برکت ذوق و قریحه ایرانیان پدید آمد که به نام نستعلیق معروف شده است. پیچیدگی و بی‌نظمی و دایره‌های ناقص تعلیق به سلیقه ایرانی چندان مطبوع نمی‌نمود. از این رو از ترکیب خط نسخ - که خطی منظم و معتدل و زیبا بود - با تعلیق، خط سومی بوجود آوردند (نسخ = نستعلیق) که از کندی نسخ و نقائص تعلیق بدور است. بعلاوه نظم و اعتدال و متانت وافر و دایره‌هایی ظریف و موزون و به غایت دلپذیر دارد. در نمونه‌هایی از خط تعلیق که از قرن هفتم / سیزدهم بجا مانده نوعی گرایش تدریجی به نستعلیق مشهود است. بعلاوه از آغاز قرن هشتم / چهاردهم نسخ قدیم ایرانی - که خط تحریری آن دوره بوده و پیش از این یاد شد - بر اثر سرعت قلم اندک اندک به شیوه تعلیق نزدیک شده و بعد به نستعلیق شباهت یافته است و هنوز نستعلیق تحریری و ناقصی بوده است. این که غالباً از جمله سلطان علی مشهدی نوشته‌اند که میرعلی تبریزی (م. ۱۶۴۶-۴۷/۸۵۰) این خط را وضع کرده درست نمی‌نماید بلکه می‌توان گفت وی این خط را منضبط و منظم کرده و به آن هیأت خاصی بخشیده است که همین کار نیز کمال اهمیت را دارد.

در نگارش نستعلیق دو شیوه در ایران متداول شد: یکی آن که به شیوه جعفر (میرزا جعفر تبریزی بایسنقری، قرن نهم / پانزدهم) و اظهر (اظهر تبریزی، قرن نهم / پانزدهم، شاگرد میرزا جعفر بایسنقری، دربار هرات) مشهور گشت و بعد به دست سلطان علی مشهدی رونق یافت و در خراسان رواج گرفت (= شیوه شرقی یا خراسانی) و دیگری شیوه عبدالرحمن خوارزمی و پسران او، عبدالرحیم و عبدالکریم، خوشنویسان دربار سلطان یعقوب آق قویونلو (قرن نهم / پانزدهم) که چون در مغرب و جنوب ایران رواج گرفته است به شیوه غربی موسوم شده است.

در شیوه غربی حروف و کلمات صورتی تند و تیز دارد. مدها صاف و بلندتر از معمول است. اندازه دایره‌ها نیز بزرگتر است. بر روی هم آن اعتدال در اندازه حروف و کلمات و نیز آن گونه هم آهنگی و گیرایی و گرمی و طراوت که در شیوه شرقی یا خراسانی است در شیوه غربی دیده نمی‌شود. به همین سبب شیوه غربی چون کاملاً مطبوع نمی‌نمود در ایران دیری نپایید. آثار آن را در نستعلیق خوشنویسان افغانستان و هند و پاکستان می‌توان دید (تصویر ۴۲). اما شیوه شرقی همان است که در طی چند قرن تکامل یافته و اینک در کمال زیبایی در ایران رایج است (تصویر ۴۳).

خط نستعلیق از همه شرایط زیبایی برخوردار است، از آن جمله است: اعتدال، موزونی، استواری، تناسب، حسن ترکیب، هم آهنگی ذوق و سلیقه. زیرا همه اصول و قواعد خوشنویسی - که پیش از این ذکر شده است - در آن بخوبی رعایت می‌شود. علاوه بر زیبایی منظر، سهولت و سرعت تحریر نستعلیق و نیز آسانی قرائت کلمات و سطوره از موجبات رواج آن بوده است. بنابراین نستعلیق خطی است با قاعده که در آن حروف و کلمات دارای اندازه‌های معین است و تقریباً تمام آن دور است و ۱/۶ یا ۲/۶ آن سطح (تصویر ۴۴/۴۵). حرکت دوری آن از راست به چپ متمایل است. در این خط قلم آزادتر و آسان‌تر از نسخ در حرکت است. دایره‌ها در نستعلیق از

لحاظ برخی ریزه کاریها و ظرائف با هم تفاوتهایی دقیق دارند مثلاً دایره های سین، صاد، نون شبیه هم و دایره های حاء، عین، قاف نظیر یکدیگر و دایره های لام و یاء همانند بقلم می آید. اندازه گیری یا نقطه یا همان قلمی که می نویسند، حد و اندازه حروف را مشخص کرده است. آغاز بیشتر حروف و کلمات آن با نیش راست قلم نوشته می شود، مانند: دندانۀ سین، سر راه، متقار جیم، سر یاء معکوس، آغاز «یاء» و امثال آن و حال آن که این حروف در بعضی خطوط دیگر با تمام عرض قلم آغاز می شود. برخلاف ثلث و برخی خطوط که بواسطه درشت اندامی حروف، سفیدها و فاصله هایی زیاد بین حروف و کلمات پدید می آید که آنها را با نقطه های پهن و حرکات و علامات و تزئینات پر می کنند خط نستعلیق چندان گرد و جمع و جور است که گاه جای نقطه ها نیز تنگ می شود و از این رو به حرکات و تزئینات، جز در موارد ضرورت و رفع اشتباه، نیازی نیست. در خط نستعلیق بواسطه نزدیکی و تجمع حروف و کلمات می توان مطالب بسیار را در چند سطر گنجانند و به جای کمتری نیازمند است. در عین حال بجز در کتیبه نویسی و مرقع نویسی (مرقع: دفتر و مجموعه ای از قطعات منتخب خطوط خوشنویسان) کلمات آن در هم و تو در تو بقلم نمی آید. نستعلیق در نظم و روشنی و تعادل به نسخ می ماند و در حرکات قلمی و تند حروف و کلمات به تعلیق: اما در زیبایی و لطافت از هر دو برتر است. نکته دیگر آن که در

نستعلیق حروف و کلمات همانند که سبب اشتباه شود وجود ندارد. حروف خط نستعلیق را ملهم از زیباییهای طبیعت شمرده اند: حروف قائم را به درختان و گلها، دواتر را به فراز و نشیب چمن زار و چشمه سار و زیر و بم اصوات، کشیدگیها (مَدّات) را به جلگه ها و دشتهای سرسبز و خرم یا کششهای صوت، و غلظانی حروف و کلمات را به اندامهای حیوانات و پرندگان بخصوص انسان و دسته بندی جمله ها را به صفهای پرندگان و دسته بندی گلها مانند کرده اند (ر ک: اطلس خط، ص ۶۰۳/۲ ح). شاید وجه مشابهت آن با حالات اندامهای انسان - که از دیر زمان در فرهنگ بشری مظهر کمال زیبایی بوده است - محتمل تر باشد چنان که تشبیه برخی اعضای معشوق و آدمی به حروف که در اشعار فارسی فراوان است گویا از همین بابت است. متانت، ظرافت، اعتدال در فریبی و نازکی حروف و باز و بستگی و کوتاهی و بلندی، زیبایی شکل حروف و مرکبات، قوس و دایره های چشم نواز، کشیدگیهای معتدل، نظم و ترتیب دلپذیر، قرینه سازی موزون، لطف مجاورت حروف و کلمات در کنار یکدیگر و خلاصه جمع آمدن همه محسنات در خط نستعلیق آن را مانند شعری دلکش و قطعه ای موسیقی به اوج زیبایی رسانده و از حدّ اعلاّی سرزندگی و شادابی برخوردار ساخته است چندان که گویی حروف و کلمات در حال رقصی



تصویر شماره ۴۳، نستعلیق شیوه غربی، خط ظهیر الدین (ظهر تبریزی، قرن نهم هجری، لنینگراد (Kostygova, p. 21))



تصویر شماره ۲۷، نستعلیق شیوه غربی، خط عبدالکریم خوارزمی، قرن نهم - دهم هجری، لنینگراد (Kostygova, p. 22)

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 ا ل ح و ر س س س
 ط ع ف ق ک ک ل
 م ن و ه ی ک
 ا ل ح و ر س س س
 ط ع ف ق ک ک ل
 م ن و ه ی ک

تصویر شماره ۴۴، نستعلیق: اصول، حرکات، گردشها و اندازه حروف (ح، فضائل، ص ۱۶۹).

لطیف و موزون در حرکت و خرامیدند، دست در دست یکدیگر و گاه دست در آغوش هم.

خوشنویسان با ذوق با نوشتن اشعار شیوا و جمله‌های پرمغز و زیبا به خط نستعلیق و توأم گرداندن نوشته‌های خود با تذهیب و نقاشی از پیوند چند هنر نمونه‌های کاملی از زیبایی بوجود آورده‌اند که در بسیاری از نسخه‌های خطی و مرقعات دیده می‌شود.

از آغاز قرن نهم / پانزدهم با وجود تداول دیگر خطوط اسلامی اکثر کتابت ایرانیان به خط نستعلیق بوده است. این خط بواسطه مزایای مذکور بزودی در سراسر ایران رواج گرفت و نیز به هند و ترکیه عثمانی و مصر و دیگر بلاد اسلامی نفوذ کرد اما خطاطان هیچ یک از آن کشورها نتوانستند آن را به زیبایی خوشنویسان ایرانی بنویسند.

رواج و رونق نستعلیق در ایران بخصوص در نیمه اول عصر صفویان بود. خط نستعلیق در طی روزگارانی بتوسط هنرمندانی مانند سلطان علی مشهدی (م. ۹۲۶/۱۵۲۰) و دیگران جلا و جلوه فراوان یافت (تصویر ۴۶) تا به دست میرعماد حسنی سیفی (مقتول

۱۰۲۴/۱۶۱۵) و میرزاحمدرضا کلهر (۱۲۴۵/۳۰ - ۱۸۲۹ - ۹۳/۱۳۱۰ - ۱۸۹۲) به اوج کمال رسید (تصویر ۴۷). نامتونها و جنگها در قرن دوازدهم /

هجدهم از رونق اکثر هنرها از جمله خوشنویسی کاست. اما در نیمه دوم قرن سیزدهم / نوزدهم باردیگر به خط و خط نستعلیق توجه شد و استادانی هنرمند آثار با ارزش بوجود آوردند. در قرن چهاردهم / بیستم از رواج خوشنویسی کاسته شد. اما در سی چهار سال اخیر تا امروز اقبال به خطاطی بخصوص به خط نستعلیق روزافزون بوده است و خوشنویسانی توانا در این زمینه ظهور کرده‌اند و نیز در حال حاضر تعداد هنرآموزان خط بخصوص در انجمن خوشنویسان ایران و شعبه‌های آن در شهرهای کشور بسیار است و علاقه به خوشنویسی فراوان است.

اصول خط نستعلیق امروزه همان است که میرعماد ملحوظ می‌داشته است، البته استادان قرون سیزدهم و چهاردهم با برخی ریزه کاریها به زیبایی و ظرافت آن افزوده‌اند که اینک آن تجربه‌ها و جلوه‌های ذوق و قریحه سرمشق معاصران است.

تصویر شماره ۴۵، نستعلیق، اندازه حروف، امیرالکتاب عبدالحمید ملک الکلامی «شرقی» (طرز نوشتن، تهران ۱۳۱۸)

خط شکسته نستعلیق، شکسته

کثرت کاربرد نستعلیق و نیاز به تندنویسی ایجاب کرد که صورت خفیف آن نیز بتدریج بوجود آید. از این رواز اوائل قرن یازدهم / هفدهم و اواخر دوره صفویه خط شکسته نستعلیق پیدا شد که نخست چندان تفاوتی با نستعلیق نداشت فقط برخی حروفش بر اثر سرعت قلم شکسته و خردتر نوشته می‌شد و بعضی جاها حروف و

کلمات منفصل بصورت متصل درمی‌آمد. در نوشته‌های این مرحله تاثیر شکسته تعلیق را می‌توان دید، یعنی آنچه حالت شکسته‌ای از نستعلیق داشت به دست تعلیق نویسان حالاتی از تعلیق را نیز پیدا کرد و حاصل این آمیختگی عنوان مستقل «شکسته» را یافت که چون روشن‌تر از خط تعلیق بود کم کم در نوشتن نامه‌ها و احکام جای تعلیق را گرفت و بعدها در کتاب نویسی و قطعات و مرقعات هم از آن استفاده شد.



تصویر شماره ۴۷، نستعلیق، خط میرعماد حسنی سیفی (مقتول ۱۰۲۴ ه.ق.) کتابخانه ملی تهران

تصویر شماره ۴۶، نستعلیق، «شرقی»، سلطان علی مشهدی (م. ۱۲۴۵ ه.ق.)، اح. فضائی، اطلس خط، ص ۱۶۸.

حکومت قزوین، چوشت شکستی را نقشه

امیران بر این استخوان که ربات شکل بر این هم نظر کرد

چو پیش پیش آید سل کبالت

کوتی که در این استخوان است

چو پیش پیش آید سل کبالت

کوتی که در این استخوان است

چو پیش پیش آید سل کبالت

کوتی که در این استخوان است

چو پیش پیش آید سل کبالت

کوتی که در این استخوان است

چو پیش پیش آید سل کبالت

کوتی که در این استخوان است



رگه هایی از سوابق وجوه خط شکسته را در تفننات ثلث نویسان، مفردات تزینتی قلمهای ریخان و محقق و در برخی شیوه های خط آرایبی نستعلیقهای ترسلی دوران تیموری - صفوی سراغ کرده اند و بعضی از عناصر ترکیبی آن را در قلمهای مختلف خط دیوانی عثمانی (مظفر بختیار، ص ۸۶ به نقل از: Mahmud Yazir, pp. 129-55)

در خط شکسته دو طرز عمده محسوس بوده است: ساده و روشن، پیچیده و درهم - که دومی را «خط ترسل» نیز خوانده اند. شکسته در مراحل نخستین، مثلاً در نوشته های مرتضی قلی خان شاملو (م ۸۹/۱۱۰۰ - ۱۶۸۸) یکدست نیست و آمیزه ای از تعلیق و نستعلیق و شکسته است و برخی ترکیبات در آن دیده می شود که بعدترک شده است (تصویر ۴۸). مرتضی قلی خان شاملو و محمد شفیق هروی حسینی معروف به شفیعا (م ۱۰۸۱/۱۰۸۱ - ۱۶۷۰) خط شکسته را بصورتی زیبا می نوشته اند و از پیشقدمان شکسته نویسی اند. اما کمال جلوه و زیبایی شکسته با قلم هنرمند درویش عبدالمجید طالقانی (م ۱۱۸۵/۱۷۷۱) محقق یافت که به این خط صورت خاص و معین بخشید. شاگردان و پیروان او و خوشنویسان دیگری که در این زمینه پیدا شدند موجب انتشار و رونق این خط شدند و نیز شیوه او را ترویج کردند که هنوز نافذ است. در شکسته نویسی درویش تا حدودی پیچیدگی وجود دارد و در نتیجه خواندنش کمی دشوار می نماید اما قدرت قلم و حسن ترکیب و شیرین کاریهای او این حالت را تحت الشعاع قرار می دهد (تصویر ۴۹).

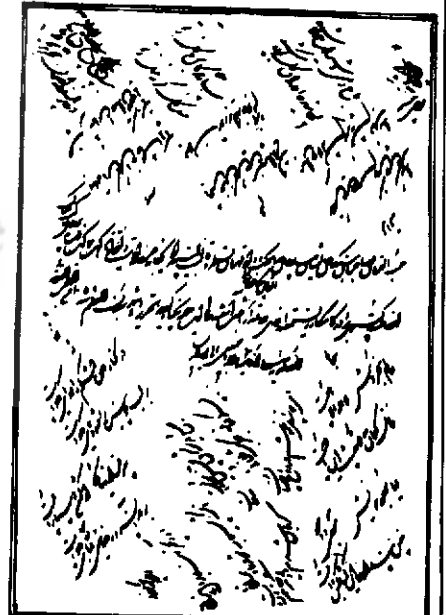
چون احکام و نامه ها و بسیاری مطالب دیگر را به خط شکسته می نوشتند تفنن منشیان بر پیچیدگیهای خط

شکسته می افزود. از این رو نیاز به ساده گردانیدن آن احساس شد. به این منظور تجربه هایی آغاز گشت و چند شیوه پدید آمد که مشهورترین آنها شیوه شکسته تحریر قائم مقام (ابوالقاسم، م. ۱۲۵۱/۳۶ - ۱۸۳۵)، حسنعلی خان امیرنظام گروسی (۱۲۳۶ - م. ۱۳۱۷/۱۹۰۰ - ۱۸۹۹ - ۱۸۲۰) و امین الدوله (میرزا علی خان، ۱۲۶۰ - م. ۱۳۲۲/۰۵ - ۱۹۰۴ - ۱۸۴۴) بود. قائم مقام که در ساده کردن نثر فارسی عصر خویش نیز موثر بود با نزدیک گرداندن اصول خط شکسته به نستعلیق بر سادگی و رواج آن افزود (تصویر ۵۰). امیرنظام گروسی نیز در همین راه گام برداشته است با توجه خاص به لطافت و نازکی در خط شکسته. اما شیوه امین الدوله چون برشکستگی شکسته افزود با وجود زیبایی فراموش شد. خط تحریر در حقیقت از فروع خط شکسته و صورت ساده شده آن است برای آسانی و سرعت نوشتن و خواندن در امور دیوانی. خط شکسته نسبت به خط تحریر هنرمندانه تر است.

شکسته از لحاظ سرعت در نوشتن در درجه اول خطوط است. بعلاوه خطی است ظریف، زیبا و تمام دور با اندکی سطح. حرکت دست و قلم در آن آزادتر از نستعلیق است. نوشتن حرکات حروف (جز بضرورت) در آن معمول نیست. خطوط قائم آن کوتاه تر است و دواتر سین و صاد و قاف و نون علاوه بر صورت مدور به شکل محدود نیز نوشته می شود. لام و نون و یاء را به سه شکل می نویسند. دایره های جاء و عین کمی بازتر از نستعلیق است. سرکشها بلندتر از نستعلیق است و به جای خود کاملاً نمی پیوندند. کشیدگیها در آن بیش از نستعلیق مرسوم است (تصویر ۵۱). گاه برخی حروف منفصل را متصل می نویسند.



تصویر شماره ۴۹، شکسته نستعلیق، خط درویش عبدالمجید طالقانی (غزلی چند از حافظ به خط خوشنویسان مشهور، نشریه انجمن دوستداران کتاب، تهران، ۱۳۳۸ ش.)



تصویر شماره ۴۸، شکسته نستعلیق، خط مرتضی قلی خان شاملو، مورخ ۱۰۵۹ هـ.ق. و ۱۰۷۸ هـ.ق. (ح. فضائی، اطلس خط، ص ۶۰۹)

تصویر شماره ۵۱، شکسته نستعلیق، الفباء مفردات، اندازه حروف با نقطه و پاره خطها (ح. فضائی، تعلیم خط، ص ۱۹۲)

تصویر شماره ۵۰، شکسته نستعلیق تحریری، خط ابوالقاسم قائم مقام فراغانی، م. ۱۲۵۱ هـ.ق. (راهجری، ص ۲۲).

تصویر شماره ۴۹، شکسته نستعلیق، خط درویش عبدالمجید طالقانی (غزلی چند از حافظ به خط خوشنویسان مشهور، نشریه انجمن دوستداران کتاب، تهران، ۱۳۳۸ ش.)

تصویر شماره ۴۸، شکسته نستعلیق، خط مرتضی قلی خان شاملو، مورخ ۱۰۵۹ هـ.ق. و ۱۰۷۸ هـ.ق. (ح. فضائی، اطلس خط، ص ۶۰۹)

تصویر شماره ۵۱، شکسته نستعلیق، الفباء مفردات، اندازه حروف با نقطه و پاره خطها (ح. فضائی، تعلیم خط، ص ۱۹۲)

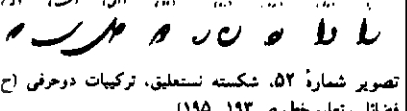
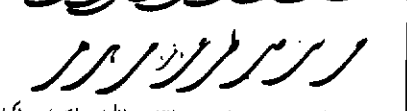
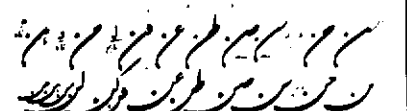
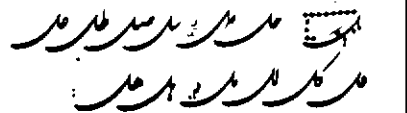
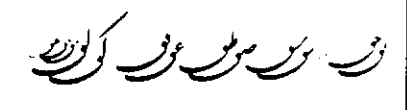
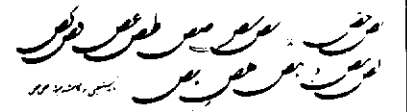
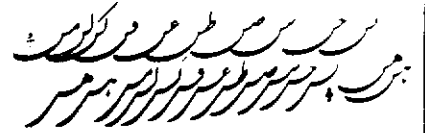
تصویر شماره ۵۰، شکسته نستعلیق تحریری، خط ابوالقاسم قائم مقام فراغانی، م. ۱۲۵۱ هـ.ق. (راهجری، ص ۲۲).

تصویر شماره ۴۹، شکسته نستعلیق، خط درویش عبدالمجید طالقانی (غزلی چند از حافظ به خط خوشنویسان مشهور، نشریه انجمن دوستداران کتاب، تهران، ۱۳۳۸ ش.)

تصویر شماره ۴۸، شکسته نستعلیق، خط مرتضی قلی خان شاملو، مورخ ۱۰۵۹ هـ.ق. و ۱۰۷۸ هـ.ق. (ح. فضائی، اطلس خط، ص ۶۰۹)

تصویر شماره ۵۱، شکسته نستعلیق، الفباء مفردات، اندازه حروف با نقطه و پاره خطها (ح. فضائی، تعلیم خط، ص ۱۹۲)

در شکسته به پیروی از نستعلیق - که سادگی و روشنی و خوانا بودن مطلوب است - پیوستگی زیاد، در هم یابی نقطه نوشتن و بقلم آوردن شکلهای همانند برای موارد متفاوت نقص بشمار می آید. اشکال موزون حروف و کلمات و هم آهنگی و گرمی و نرمی و توجی که در حرکات و فراز و نشیب حروف آنها مشهود است و نیز حسن ترکیب آنها باهم (تصویر ۵۲، ۵۳، ۵۴) و زیبایی منظر آنها در کنار یکدیگر جلوه و جمال خاصی به این خط بخشیده است. حرکت موزون و چالاکي قلم در



تصویر شماره ۵۲، شکسته نستعلیق، ترکیب دوحرفی (ح) فضائی، تعلیم خط، ص ۱۹۳ - ۱۹۵.

ترکیب ترکیبات سه حرفی مخصوص شکسته

۱- ترکیب سه حرفی
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

۲- ترکیب سه حرفی
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

۳- ترکیب سه حرفی
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

۴- ترکیب سه حرفی
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

۵- ترکیب سه حرفی
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

تصویر شماره ۵۳، شکسته نستعلیق، ترکیب سه حرفی (ح) فضائی، تعلیم خط، ص ۱۹۶.

شکسته، حروف و کلمات درشت و ریز پدید می آورد که ایجاد هم آهنگی بین آنها خود از مظاهر لطیف هنر خوشنویسان زبردست است. حاصل آن که شکسته، با سرعت و ابتکار و بدیهه نویسی خاص خود، سومین نمودار تجلی ذوق و قریحه هنری ایرانیان در خط و خوشنویسی است که به کمال زیبایی رسیده است. خط شکسته بصورتی ناپخته و بی قاعده در ادارات، مؤسسات، دفترخانه ها، نامه نگاریها و مقاله نویسیها بکار می رود و حدود کاربرد آن در ایران بسیار زیاد است. این خط که در آغاز قرن چهاردهم/ بیستم مانند

۱- ترکیب سه حرفی
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

۲- ترکیب سه حرفی
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

۳- ترکیب سه حرفی
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

۴- ترکیب سه حرفی
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

۵- ترکیب سه حرفی
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

۶- ترکیب سه حرفی
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

تصویر شماره ۵۴، شکسته نستعلیق، ترکیب سه حرفی و چهار حرفی (ح) فضائی، تعلیم خط، ص ۱۹۷.

دیگر خطوط از رونق افتاده بود امروز باز مورد توجه خوشنویسان واقع شده است. خط شکسته را در دیگر ممالک اسلامی، از جمله در افغانستان، گاه از باب تفنن، اما نه با شیوه صحیح، نوشته اند. در افغانستان صورت ساده آن را «شکسته آمیزه» و صورت پیچیده آن را «شکسته» خوانده اند. امروز در کشورهای عربی برای یادداشتها و نوشته های فوری و نامه ها خطی را بکار می برند که نخست از ترکیب عثمانی نشأت گرفته است و خط «رُقعَه» نامیده می شود و بمنزله خط شکسته ای است از نسخ.

طغرا

در آورده اند که با آنچه بر فرمانهای پادشاهان صفوی و نادرشاه افشار دیده می شود متفاوت است. طغرا را غالباً به خط ثلث و رقاع یادبوانی نقش می کنند و از جمله خطوط تفتنی است که در ممالک اسلامی از جمله: مصر، سوریه، لبنان، عراق، ایران و افغانستان به آن می پردازند. طغرا در ترکیه پس از تغییر خط عربی به خط جدید رواج پیشین را ندارد. به یک اعتبار هر عنوان و سرلوحه ای را که حالت نقاشی و تزئین داشته به خط کوفی و ثلث و نسخ و نستعلیق و شکسته و دیوانی باشد طغرا یا شبه طغرا می توان نامید (تصویر ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۳۱).

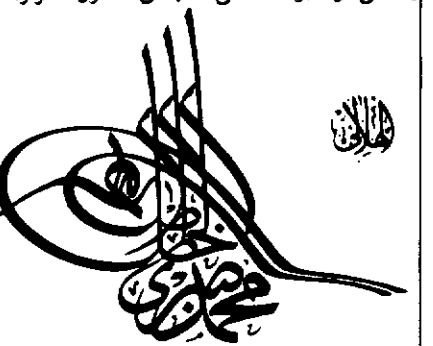


تصویر شماره ۵۷، طغرا، خط مرتضی عبدالرسولی، مورخ ۱۳۳۷ش، متعلق به نویسنده مقاله.



تصویر شماره ۵۵، طغرا، خط حامد آمدی خطاط معاصر ترک (مصور الخط، ص ۲۴۳).

در قدیم به خطی منحنی و پیچیده و متوازی که بر سر فرمانهای پادشاهان می نوشته اند و نام و لقب پادشاه وقت را دربر داشته طغرا می گفته اند. در دیوان پادشاهان طغرای سلطانی بجای مهر متداول بوده است و طغرا را بر سر نامه ها و فرمانهای ایشان رسم می کرده اند و بمنزله امضای فرمان بشمار می آمده است. از سابقه و رسم طغرا در ایران تا زمان سلجوقیان یاد می شود (رک: نظامی گنجه ای، مخزن الاسرار،



تصویر شماره ۵۶، طغرا، خط محمد صبری هلالی عراقی، ۱۳۶۰ (مصور الخط، ص ۲۴۲).



سیاه مشق

صفحه‌ای است که خطاط بمنظور تمرین نستعلیق و شکسته نستعلیق (بیشتر در این دو خط معمول است) در خوشنویسی، مفردات و ترکیبات گوناگون را مکتوب و پیاپی بر آن می‌نویسد. سیاه مشقها در عین حال که نمودار ممارست و پشتکار و شور و شوق خوشنویسان است غالباً حالتی دلدیز و لطفی خاص دارد، حتی گاه نوعی تفنن نیز در آنها دیده می‌شود. از این رو سیاه مشق استادان را در ضمن کتابها و رسالات مربوط به خطاطی درج و چاپ می‌کنند. (تصویر ۵۸).

تصویر شماره ۵۸، سیاه مشق، خط محمدخان صبا، مورخ ۱۳۰۱. (ح. فضائی، اطلس خط، ص ۶۶۹).

نسخ	نستعلیق	تلخیص	شکسته
ا	ا	ا	ا
ب	ب	ب	ب
پ	پ	پ	پ
ت	ت	ت	ت
ث	ث	ث	ث
ج	ج	ج	ج
ح	ح	ح	ح
خ	خ	خ	خ
د	د	د	د
ذ	ذ	ذ	ذ
ر	ر	ر	ر
ز	ز	ز	ز
س	س	س	س
ص	ص	ص	ص
ط	ط	ط	ط
ع	ع	ع	ع
ف	ف	ف	ف
ق	ق	ق	ق
ک	ک	ک	ک
گ	گ	گ	گ
ل	ل	ل	ل
م	م	م	م
ن	ن	ن	ن
و	و	و	و
ز	ز	ز	ز

مقایسه خطوط

برای شناخت تفاوت شکل و اندازه حروف در خطوط مختلف باید به نکات زیر توجه کرد:

- ۱- اندازه الف بر حسب نقطه در هر خط، زیرا شکل و اندازه دیگر حروف را باتوجه به تعداد نقطه الف می‌سنجند.
- ۲- شکل‌های خاص هریک از حروف در حال انفراد و ترکیب و حالات اتصال و انفصال.
- ۳- توجه به یکدستی و یک نواختی حروف یا مخلوط بودن آنها و نیز حدود روشنی و ظرافت و زیبایی آنها.
- ۴- انبساط و انقباض، سطح و ذور، باز و بسته بودن حلقه‌ها، طره (سرك) داشتن یا نداشتن حروف.
- ۵- مدها (کشیدگیها)، مد کامل - که گاه طول آن سه برابر الف است و مدهای کوتاه.
- ۶- حرکات تند یا کند قلم.
- ۷- کاربرد خاص هریک از خطوط (رک: تعلیم خط ۲۸۶ - ۳۱۳) (تصویر ۵۹، ۶۰، قطعه جامع: ۶۱).

کوفی	مختلص	ثلث	نویس	رتاع
ا	ا	ا	ا	ا
ب	ب	ب	ب	ب
پ	پ	پ	پ	پ
ت	ت	ت	ت	ت
ث	ث	ث	ث	ث
ج	ج	ج	ج	ج
ح	ح	ح	ح	ح
خ	خ	خ	خ	خ
د	د	د	د	د
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ
ر	ر	ر	ر	ر
ز	ز	ز	ز	ز
س	س	س	س	س
ص	ص	ص	ص	ص
ط	ط	ط	ط	ط
ع	ع	ع	ع	ع
ف	ف	ف	ف	ف
ق	ق	ق	ق	ق
ک	ک	ک	ک	ک
گ	گ	گ	گ	گ
ل	ل	ل	ل	ل
م	م	م	م	م
ن	ن	ن	ن	ن
و	و	و	و	و
ز	ز	ز	ز	ز

تصویر شماره ۵۹، جدول مقایسه خطوط، (ح. فضائی، تعلیم خط، ص ۳۱۲).

تصویر شماره ۶۰، جدول مقایسه خطوط (ح. فضائی، تعلیم خط، ص ۳۱۳).

شکسته نستعلیق

نسخ

تعلیم خط

مختلص

کوفی

ثلاثی

نویس

رتاع

تصویر شماره ۶۱، قطعه جامع، حاوی هفت نوع خط، نوشته مرتضی عبدالرسولی، مورخ ۱۳۶۷ش.